

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

عید سعید غدیر

اتمام نعمت و اکمال دین

آیت الله جوادی آملی



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

غدیر، روز یأس کفار و اکمال دین

غدیر یکی از روزهای بسیار مهم در تاریخ زندگی پیامبر اسلام(ص)، بلکه مهمترین حادثه در تاریخ اسلام است. زیرا روزی است که پیامبر اسلام(ص) امیرالمؤمنین علی را رسماً برای جانشینی خود تعیین کرد. روزی که کفار در میان امواج یأس فرو رفتند، زیرا آنها انتظار داشتند که آئین اسلام قائم به شخص باشد و با از میان رفتن پیامبر اوضاع به حال سابق برگردد و اسلام به تدریج برچیده شود، چنان که در جنگ احد وقتی که پیامبر(ص) مجروح شد و عده‌ای شایع کردند که آن حضرت کشته شد. شیوع این خبر باعث ایجاد امید و اثر مثبت در کفار و مشرکان و تزلزل در میان مسلمانان گردید به گونه‌ای که عده‌ای به سرعت از میدان جنگ خارج شدند، آیه‌ای نازل شد که آن آیه حکایت از این حقیقت دارد که دین اسلام قائم به شخص نیست بلکه آئینی است که تا ابد جاودان خواهد ماند. از این رو فرمود: «و ما محمدٌ الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئاً و سیجزی الله الشاکرین؛ (۱) محمد(ص) تنها فرستاده خداست .

پیش از او هم فرستادگانی بودند که از دنیا رفتند اگر او بمیرد یا کشته شود باید شما سیر قهقرایی کنید و به آئین بت پرستی برگردید به آنها که به عقب برگردند و به دوران کفر و بت پرستی باز گردند تنها به خود زیان می‌رسانند نه به خدا زیرا با این عمل تنها سعادت خود را از بین برده و گرفتار شقاوت می‌شوند و خدا کوشش شاکران را پاداش می‌دهد .»

در واقع خدا با نزول این آیه به همه جهانیان از جمله به مسلمانان توجه می‌دهد که اسلام قائم به فرد و شخص نیست از این رو همگان باید بدانند اسلام ماندنی است، در مکه نیز وقتی عبدالله پسر پیامبر از دنیا رفت. مشرکان به دلیل این که فرزند پسر را تداوم بخش برنامه‌های پدر می‌دیدند. تصور می‌کردند با رحلت پیامبر اکرم(ص) برنامه‌های او به خاطر نداشتن فرزند ذکور تعطیل خواهد شد، خداوند سوره کوثر را بر آن حضرت نازل کرد تا این سوره پاسخی باشد به مشرکان و کفار و این که دشمن پیامبر ابتر است و برنامه اسلام و قرآن هرگز قطع نخواهد شد بلکه به بقاء خودش ادامه خواهد داد .

یکی از مراحلی که قرآن یأس کفار را اعلام می‌کند روز غدیر است. زیرا هنگامی که مشرکان مشاهده کردند مردی که از نظر علم و تقوا و قدرت و عدالت بعد از پیامبر در میان مسلمانان بی‌نظیر بود به عنوان جانشینی آن حضرت انتخاب شد و از مردم برای او بیعت گرفت، یأس و ناامیدی نسبت به آینده اسلام آن‌ها را فرا گرفت و دریافتند که این دین و آئین ریشه‌دار و پایدار است. از این رو قرآن فرمود: «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم و اخشون» (۲) امروز کفار از دین شما ناامید شدند، اول باید دید طمع کافر چه بود و حد و مرز آن چه اندازه بوده است تا معلوم شود که امروز چه حادثه‌ای اتفاق افتاد که توانست مخالفان اسلام را با تمام گستردگی آن و دشمنی آنان با کمال شدتش مأیوس و ناامید کند وقتی اسلام ظهور کرد، کافران اعم از مشرکان و یهودیان و مسیحیان به مبارزه با آن برخاستند زیرا آیین و دین خود را بر حق می‌دانستند و روی تعصب و رسوبات جاهلی شرک را صحیح می‌دانستند و سرانشان برای منافع

مادیشان در حفظ آن می کوشیدند و به یکدیگر می گفتند بروید بتها را حفظ کنید، برای آنها در مقابل مشکلات صبر کنید که بت پرستی و حفظ بتها امری است که روی آن تصمیم گرفته شده است همان طوری که خداوند درباره امور مهم می فرماید: انّ ذلک من عزم الامور؛ (۳) یعنی کاری است که باید درباره آن تصمیم گرفت .

یهودیان و مسیحیان هم دین خود را الهی و برحق می دانستند و می گفتند: «لن یدخل الجنة الامن کان هوداً او نصاراً (۴)».»

از این رو گاهی رسول خدا را دیوانه و گاهی ساحر و گاهی کاهن و گاهی شاعر می خواندند در واقع آنها بر دو کار تصمیم گرفته بودند .

۱- آیین خود را حفظ کنند از این رو می گفتند بروید و دین خود را حفظ کنید .

۲- از طرفی تلاش می کردند تا اسلام را به هر وضعی است نابود کنند: «پریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم؛ (۵) تلاششان این بود که نور خدا را خاموش کنند و برای خاموش کردن نور الهی هم مشرکین نقش داشتند و هم کافران اما خداوند نورش را تمام می کند، آنها می خواستند دین شما را از شما بگیرند، شایان ذکر است، در

واقع دشمنی و مخالفت مشرکان و کافران مخالفت اقلیمی و برای آب و خاک

نیست بلکه برای خاموش کردن چراغ دین است و آنها از هر فرصتی برای این

منظور استفاده می کنند بنابراین با این که کافران و مشرکان می خواستند با به

سازش کشاندن پیامبر و برافروختن شعله جنگ و خاموش کردن نور الهی، دین را

از بین ببرند اما در روز عید غدیر حادثه مهمی رخ داد که کافران مأیوس شدند و

آن نصب علی (ع) به عنوان ولی و جانشین پیامبر (ص) بود زیرا آنها علی (ع) را

شناخته بودند که او کیست و چه می کند و چه می گوید، از این رو با روی کار آمدن علی(ع) آن طمع خام به یأس مبدل شد .

منشأ یأس کفار آن است که با نصب علی(ع) دین دارای ولی و قیّم شد. دین از این که به شخص قائم باشد خارج و به معصوم متکی شد، در عصر پیامبر حفظ دین بر عهده پیامبر(ص) است و بعد از ارتحال آن حضرت بر عهده اهل بیت (ع) خواهد بود .

بعد از بیان این مطلب به مسلمانان فرمود: از کفار نترسید و از من بترسید یعنی خطری از ناحیه کفار شما را تهدید نمی کند و اگر خطری است از ناحیه خودتان هست . زیرا خدای سبحان وضع هیچ قومی را دگرگون نمی کند جز آن که خودشان در خویشتن خویش دگرگونی ایجاد کنند «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم .»(۶)

و ملتی اگر این تحول در آنها ایجاد شده و خدا ترس شدند همگان از آنها می ترسند و آن هم عالم شدن است «انّما یخشی الله من عباده العلماء .»(۷) فقط عالمان از میان بندگان الهی خدا ترسند. و انسان خدا ترس مطیع خدا و مطیع خدا از روحیه بسیار بالایی برخوردار خواهد بود و انسان هایی که دارای روحیه مقاوم باشند در مقابل دشمن پیروزند به ویژه اگر رهبری عادل و دین شناسی هدایت مردم را بر عهده بگیرد. در تفسیر علی ابن ابراهیم آمده است که یأس کفار برای آن است که ولایت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب نازل شده است (۸).

اجرای عدالت توسط رهبر سبب یأس دشمن

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه فرمود: اگر والی رهبر سیاسی نصب شد که رابطه او با مردم بر اساس قسط و عدل باشد. هم مردم حقشان را اداء کنند و هم والی قسط و عدل را رعایت کند چنین نظامی ماندنی است و دشمنانی که طمع در نابودی و براندازی آن نظام را داشته باشند ناامید و مأیوس خواهند شد .

واعظم ما افترض سبحانه من تلك الحقوق حق الوالی علی الرعیه و حق الرعیه علی الوالی فریضه فرضها الله سبحانه علی کلّ فجعلها نظاماً لالفتهم و عزّاً لدينهم فلیست تصلح الرعیه الاّ بصلاح الولاء و لا تصلح الولاء الاّ باستقامه الرعیه فاذا ادّت الرعیه الی الوالی حقّه و ادى الوالی الیها حقّها عزّ الحقّ بینهم و قامت مناهج الدین و اعتدلت معالم العدل و جرت علی اذلالها السنن، فصلح بذلك الزمان و طمع فی بقاء الدوله و یئست مطامع الاعداء؛ (۹)

در بیان حقوق الهی بزرگترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان بر دو گروه لازم شمرده و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد .

پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح کردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز آن که رعیت و مردم درست کار باشند .

آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزّت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت بر قرار و سنت پیامبر(ص) پایدار گردد پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزویش مأیوس می‌شود .»

در روز غدیر بانصب علی ابن ابیطالب (ع) دین کامل شد زیرا رهبری پیدا کرد که هم دین شناس است و هم عادل و معصوم است و هم دین را در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی اجرا می کند. امام باقر(ع) فرمودند: بنی الاسلام علی خمسۃ اشیاء علی الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولاية. قال زراره و ای شیء من ذلك افضل فقال: الولاية افضل، لانها مفتاحهن و الوالی هو الدلیل علیهن؛ (۱۰)

دین دارای پنج پایه است: ۱- نماز ۲- زکات ۳- حج ۴- روزه ۵- ولایت از آن حضرت سؤال شد کدام یک از این پنج پایه ارزشمندتر است فرمود: ولایت با فضیلت ترین و با ارزش ترین آن هاست و برای این که کسی خیال نکند که ولایتی که افضل بناهای اسلام است به معنای محبت و اعتقاد به حقانیت اهل بیت و یا ولایت تکوینی است فرمود: ولایت کلید و مفتاح همه آنها و والی دلیل بر آنهاست. یعنی ولایت به معنای حکومت و زعامت سیاسی است و آن که زعامت سیاسی جامعه را برعهده دارد والی مسلمین است. او چون دین شناس و دین باور و متین و مفسر دین و مجری حدود آن و مدافع حریم است. کلید دین است. و اگر دین دارای ولی و قیمی با اوصاف گذشته باشد مقوم دین و موجب کمال دین است، ناگفته نماند که دین اسلام در زمان پیامبر(ص) نیز کامل بود زیرا در آن زمان قیم و شارح و مبین دین و عامل و مجری حدود و مدافع آن شخص آن حضرت بوده است و بعد از ارتحال آن حضرت این شئون برعهده خلیفه آن حضرت است و این خلیفه باید با مستخلف عنه سنخیت و هماهنگی داشته باشد و لذا جانشین رسول

خدا از مقام عصمت برخوردار بود تا بتواند با برخورداری از این ویژگی به تفسیر معصومانه وحی و اجرای آن پردازد .

مراد از کمال دین

واژه کمال در لغت مقابل نقص به کار می‌رود و هنگامی چیزی بدان متصف شود که هدف مورد نظر را بر آورده نماید بنابراین تعیین (دقیق حد و مرز معنای آن وابسته به هدفی است که از متعلق آن مد نظر است .

هنگامی که این واژه برای دین به کار می‌رود اول باید هدف آورنده آن را شناخت قدر جامع و مشترک همه ادیان الهی که همان دین پذیرفته شده در نزد خدای سبحان است، اسلام است، ان الدین عندالله الاسلام؛ (۱۱)

و اگر کسی غیر از آن دینی را انتخاب کند پذیرفته نخواهد شد و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه ؛ (۱۲)

و معنای دین در واقع تسلیم و انقیاد و فرمان برداری در برابر خدای سبحان و فرمان‌های اوست و به عبارت دیگر دین در لغت به معنای خضوع و انقیاد در برابر برنامه و مقررات معین می‌آید و در قرآن به معنای مجموعه معارف و احکام و مقرراتی اطلاق شده که از جانب خدای سبحان نازل گشته تا برنامه زندگی بندگان باشد و مردم نیز باید در برابر آن مقررات و معارف تسلیم و منقاد باشند و دین در قرآن به کمال وصف شده است و حضرت امیرالمؤمنین(ع) نیز آن را به کمال وصف کرده است. از جمله در خطبه ۸۶ فرمود: و انزل علیکم الكتاب تبیاناً لكل شیء و عمرّ فیکم نبیّه ازماناً حتی اکمل له و لکم فیما انزل من کتابه دینه الذی

رضی لنفسه و انهی الیکم علی لسانه؛ (۱۳)

خدای سبحان کتاب و قرآن را بر شما نازل کرد که بیان گر همه چیز است و تمام اموری که به هدایت و سعادت و نجات انسانها مربوط است در آن بیان شده است و پیامبر را آن مقدار در میان شما عمر داده که برای شما و او دینی را که مورد رضای اوست و در کتاب آسمانی اش نازل کرده کامل نماید و بر زبان پیامبرش اعمالی را که بر شما لازم بود رسانده است .

بر اساس این فراز از خطبه نهج البلاغه خدای سبحان به پیامبرش فرصت داده که همه گفتنیها را بگوید و دین و آیین خدا را کامل گرداند و آن چه که هدف اصلی از بعثت آن حضرت است یعنی مسئله انسان سازی و سعادت بشر در تمام زمینه هاست در بردارد. از جمله مسئله رهبری دین بعد از خودش را نیز معرفی کرده است. در خطبه ۱۸۳ نیز فرمود: القرآن آمرزاجر و صامت ناطق حجة الله علی خلقه اخذ علیه میثاقهم و ارتهن علیهم انفسهم اتمّ نوره و اکمل به دینه .

قرآن امر کننده و باز دارنده است، خاموش گویا و حجت خدا بر خلق است، خداوند پیمان عمل به آن را از بندگانش گرفته و آنان را در گروه دستورات قرآن قرار داده است، نور خدا را در میان بندگان به وسیله آن کامل ساخت و دین و آیینش را با آن به حد کمال رساند .

در خطبه ۱۸ نیز در جواب کسانی که آرای متفاوت ارائه می نمایند فرمود: ام انزل الله دیناً تاماً فقصر الرسول عن تبلیغه و ادائه و الله سبحانه یقول: ما فرطنا فی الكتاب من شیء و فیه تبیان لکل شیء .

آیا خدا دین کاملی نازل کرده است ولی پیامبر در تبلیغ و اداء آن کوتاهی نموده

است حال آنکه خدای متعال می‌فرماید: ما چیزی در قرآن فروگذار نکردیم و در قرآن بیان همه چیز آمده است .

بدیهی است هیچ مسلمانی این احتمال را درباره پیامبر نمی‌دهد که او در تبلیغ و اداء رسالت خود کوتاهی کرده باشد چرا که در تبلیغ و ادای وحی معصوم است بنابراین در تبلیغ رسالت و وحی الهی کوتاهی نکرده است .

با توجه به این که دین خدا کامل است و در روز غدیر به کامل بودن خبر داده است لازم است بدانیم که کمال دین تنها به بیان احکام الهی نیست بلکه این دین به مبین و شارح معصوم و مجری معصوم دارد که هم دین را به طور صحیح بیان کند و هم از تحریف و ایجاد بدعت در دین جلوگیری نماید و هم آن را به طور صحیح و کامل اجراء نماید و این، تحقق پیدا نمی‌کند جز این که پیامبر مسؤل این وظیفه مهم را مشخص نماید و از این رو در روایات کمال دین را به ولایت

امیرالمؤمنین (ع) می‌داند و این امر در روز عید غدیر خم تحقق پیدا کرده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیه بنصب اخی علی ابن ابیطالب (ع) علماً لامتی یهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل الله فیه الدین و اتمّ علی امتی النعمه و رضی بهم الاسلام دیناً» (۱۴) روز غدیر خم از با فضیلت‌ترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خدای سبحان به من امر کرد تا برادرم علی را به عنوان نشانه امتم منصوب کنم تا آنها بعد از من به وسیله وی هدایت شوند و این روز همان است که دین در آن کامل شده و نعمت بر امتم تمام گردید. و اسلام به عنوان دین برای آنها پسندیده شده است» و در حدیث دیگری امام رضا (ع) فرمود: «و امر الامامه من تمام

الدین؛ (۱۵) تمام و کمال دین به امر امامت است.» سرّ آن همان است که گفته شد، امام هم این را تبیین می‌کند و هم از تحریف آن جلوگیری می‌نماید و هم نمی‌گذارد در دین بدعت ایجاد شود و هم دین را درست اجرا می‌کند .

و اتممت علیکم نعمتی

خدا در روز عید غدیر نعمت خود را بر امت مسلمان به اتمام رساند و آئین اسلام به تکامل نهایی خود رسید. زیرا بدون تعیین جانشینی برای پیامبر و بدون روشن شدن وضع آینده مسلمانان این آئین به تکامل نهایی نمی‌رسد .

براساس این آیه دین نعمتی است که روابط انسان را با خلق و خالق و نظام هستی تنظیم می‌کند و زمینه عبادت و عبودیت را برای او فراهم می‌سازد و با انتخاب جانشین برای پیامبر این نعمت ویژه و مطلق الهی به مرحله پایانی خود می‌رسد و با نصب علی(ع) به عنوان جانشین، اسلام نیز به کمال لازم خود رسیده است .

و رضیت لکم الاسلام دینا

اسلام را به عنوان دین نهایی برای شما پذیرفتم یعنی روز غدیر روزی بود که اسلام با تکمیل برنامه هایش به عنوان آیین نهایی از طرف خداوند پذیرفته شده است و با توجه به این که در این روز علی(ع) به عنوان جانشین پیامبر منصوب شد روشن می‌شود که نعمت الهی بدون جهت یافتن با رهبری الهی تمام و مرضیّ خدا نیست .

خدای سبحان در سوره نور که پیش از سوره مائده بر پیامبر نازل شده است

فرمود: «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض
کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من
بعد خوفهم امناً؛ (۱۶)

خدا به آنهایی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که
آنها را خلیفه خدا در روی زمین قرار دهد، همان طور که پیشینیان آنان را چنین
کرد و نیز وعده داد آئینی را که برای آن پسندیده است مستقر و مستحکم
گرداند و بعد از ترس به آنها آرامش بخشد.»

بر اساس این آیه خدای متعال به مؤمنان و کسانی که عمل صالح انجام دهند وعده
داده است که آئینی را که پسندیده است در روی زمین مستقر می‌سازد و زمانی
اسلام در زمین مستقر و ریشه‌دار شد که با ولایت توأم شده است .
اگر در این آیه به مؤمنان وعده داده است که سه ویژگی به افراد با ایمان اعطاء
می‌کند و آن خلافت در روی زمین و امنیت و آرامش برای پرستش پروردگار و
استقرار دینی که مورد رضای خدا می‌باشد با وعده‌ها در روز عید غدیر با نصب
علی (ع) و با نزول آیه اکمال دین جامه عمل پوشیده است زیرا در این روز نمونه
کامل فرد با ایمان و عمل صالح یعنی علی ابن ابیطالب (ع) به جانشینی پیامبر
مبعوث شده است .

نتیجه‌گیری

با توجه به مجموع مطالبی که در رابطه با آیه اکمال دین مطرح شده روشن می‌شود
که امامت و ولایت از ارکانی است که با تحقق آن، هم کفار مأیوس می‌شوند و هم

دین کامل می‌گردد و هم نعمت خدا به پایان می‌رسد و هم دین اسلام به عنوان دین پسندیده مرضیّ خدا قرار می‌گیرد. بنابراین پذیرش امامت و ولایت به عنوان امری اعتقادی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است که همگان باید آن را بپذیرند و به آن ایمان پیدا کنند .

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۴۴ .
۲. سوره مائده، آیه ۳ .
۳. سوره لقمان، آیه ۱۷ .
۴. سوره بقره، آیه ۱۱۱ .
۵. سوره توبه، آیه ۳۲ .
۶. سوره رعد، آیه ۱۱ .
۷. سوره فاطر، آیه ۲۸ .
۸. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۷ .
۹. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶ .
۱۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸ .
۱۱. سوره آل عمران، آیه ۱۹ .
۱۲. همان، آیه ۸۵ .
۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۸۶ .
۱۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۹ .

۵. اہمان .

۶. سورہ نور، آیہ ۵۵ .